

آیا موجودات جهان می توانستند نباشند؟  
ما در این درس میخوایم با نظر فیلسوفان درباره  
امکان و ضرورت این جهان آشنا شویم و برخی از  
دیدگاه ها درباره این سوال را باهم مقایسه کنیم.

فلسفه دوازدهم درس دوم  
دبیر: تمیمی / شوش

## جهان ممکنات



روزگاری انسان تصور می کرد که جهان طبیعت فقط از یک کهکشان راه شیری تشکیل شده است. تصاویر تلسکوپ فضایی هابل در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی نشان داد که شمار کهکشان های جهان بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد است. اکنون گروهی از اخترشناسان نشان داده اند که این رقم باید ۱۰ برابر شود؛ یعنی حدود ۲۰۰۰ میلیارد!

تبدیل رقم ۲۰۰ میلیارد به ۲۰۰۰ میلیارد ظرف حدود ربع قرن، گویای آن است که این رقم هم می تواند ده برابر یا صد برابر و یا هزاران برابر شود.



فضای کهکشانی

نکته: اگر محمول وجود باشد رابطه محمول با موضوع: الف- واجب الوجود است، که محمول برای موضوع حتمی و ضروری است. مانند خداوند موجود است.  
ب- ممکن الوجود، رابطه محمول با موضوع (ممکن) است. مانند همه واقفیت های عالم مانند: گل موجود است.

ج- ممتنع الوجود، رابطه محمول با موضوع (غیر ممکن) است، مانند: شریک خداوند

موجود است.  
حال اگر از موجودات ماکروسکوپی (آبر موجودات) به سوی موجودات میکروسکوپی (ریز موجودات) سیری قهقراپی کنیم، می توانیم تخمین بزنیم که هر یک از این ۲۰۰۰ کهکشان شناخته شده، حدود ۱۰۰ میلیارد ستاره و سیاره دارد و هر کدام از آنها، از میلیاردها میلیارد موجود و عنصر ساده و پیچیده تشکیل شده اند. هر عنصری نیز از میلیاردها میلیارد اتم تشکیل شده است و در داخل هر اتم ذرات و نیروهای مختلفی حضور دارند.

چه آن روز که دانشمندان تصورات محدودتری از موجودات طبیعی داشتند و چه امروز که دانسته اند طبیعت به این گستردگی است، بسیاری از مسئله های فیلسوفان همچنان ثابت مانده است و هنوز هم درباره آنها بحث می کنند و کتاب می نویسند.

از جمله اینکه:

- جهان متناهی است یا نامتناهی؟
- این جهان همواره بوده است یا آغازی مانند «مه بانگ» دارد؟
- هستی منحصر به طبیعت است یا عوالم دیگری هم وجود دارد؟
- آیا علاوه بر موجودات جسمانی، موجودات غیر جسمانی هم هستند؟
- آیا موجودات این جهان، چه متناهی و چه نامتناهی، می توانند نباشند؟

این درس درباره سؤال آخر است. ما در این درس می خواهیم با نظر فیلسوفان درباره امکان و ضرورت این جهان آشنا شویم و برخی دیدگاه ها را درباره این سؤال با هم مقایسه کنیم.

## نسبت های سه گانه در قضایا

### را بانکر مثال بیان کنید.

## ضروری، ممکن، غیر ممکن

### ➤ نسبت های سه گانه در قضایا

به سه قضیه زیر توجه کنید.

عدد چهار زوج است. | دیوار خانه ما سفید است. | عدد هشت فرد است.

به نظر شما، رابطه میان موضوع و محمول در این قضایا چگونه است؟ چه فرقی میان این سه دسته قضیه هست؟ آیا ممکن است عدد ۴ زوج نباشد؟ یا دیوار خانه ما سفید نباشد؟ یا عدد هشت فرد نباشد؟

پاسخ درباره قضیه اول منفی است؛ زیرا عدد چهار اگر زوج نباشد، عدد چهار نیست.

اما قضیه دوم چگونه؟ آیا ممکن است دیوار سفید نباشد؟ پاسخ مثبت است؛ یعنی، با اینکه دیوار خانه ما فعلاً سفید است، اما می تواند سفید نباشد.

## \* حکما تمام واقعیت های جهان را ممکن الوجود می نامند.

پس، می توان گفت محمول قضیه اول برای موضوع خود «ضروری» و «واجب» است؛ اما محمول قضیه دوم برای موضوع خود ضروری نیست بلکه «ممکن» است؛ یعنی، هم می تواند این محمول را بپذیرد و هم می تواند نپذیرد.

اکنون به قضیه سوم نگاه می کنیم. می بینیم که در قضیه سوم، برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت، فرد باشد.

### تمرین

الف) در سه قضیه هندسی زیر، رابطه کدام موضوع با محمول خود واجب، کدام ممکن و کدام ممتنع است؟

۱ مجموع دو ضلع مثلث، بزرگ تر از ضلع سوم است. **ضروری و واجب**

۲ ارتفاع و میانه در مثلث یکی است. **ممکن**

۳ مجموع زوایای مثلث برابر با سه قائمه است. **ممتنع (غیر ممکن)**

ب) شما نیز برای هر یک از روابط سه گانه چند مثال ذکر کنید:

رابطه وجوبی: ..... **انسان حیوان ناطق است.**

رابطه امکانی: ..... **دیوار سفید است.**

رابطه امتناعی: ..... **مثلث چهار ضلعی است.**

تا اینجا روشن شد که میان موضوع و محمول در قضایا سه گونه رابطه می تواند برقرار باشد: رابطه وجوبی، رابطه امکانی و رابطه امتناعی.

حال پرسش این است که «وجود»، به عنوان یک محمول، با موضوع هایش چگونه نسبتی دارد؛ مثلاً وقتی می گوییم «زمین هست»، «انسان هست» و «خدا هست»، رابطه «هستی» با زمین، انسان و خدا رابطه امکانی است یا ضروری یا امتناعی؟

ابتدا فعالیت زیر را انجام دهید تا پس از آن، پرسش طرح شده را بررسی کنیم.

### تعیین رابطه

اگر بخواهیم وجود را محمول موضوعات زیر قرار دهیم، به نظر شما رابطه میان وجود با این موضوعات، از نوع «ضرورت» خواهد بود یا «امکان» یا «امتناع»؟

مربع پنج ضلعی	انرژی	پرنده	روح	دریایی از جیوه	فرشتگان	شریک خدا	خداوند	دیو	سیاه سفید	سوختن	مهربانی	خاک
ممکن است	ممکن است	ممکن است	ممکن است	ممکن است	ممکن است	ممکن است	ممکن است	ممکن است	ممکن است	ممکن است	ممکن است	ممکن است

همان طور که مشاهده می کنید، رابطه برخی از این موضوع ها با «وجود» رابطه امکانی، و رابطه برخی، رابطه وجوبی و برخی نیز رابطه امتناعی دارند، یعنی نمی توانند موجود باشند.

اکنون می خواهیم موضوع هایی را که با «وجود» رابطه امکانی دارند مورد بررسی بیشتر قرار دهیم و ببینیم که چرا در عین اینکه این موضوع ها فقط امکان وجود را دارند، اکنون موجودند و جهان موجودات را تشکیل داده اند.

## پیام اصلی ابن سینا و پیروانش

### تحلیل و تبیین درباره موجودات جهان چیست؟

فارابی و ابن سینا به این پرسش پاسخ داده و گفته اند که اگرچه این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود، ممکن الوجود هستند و با «وجود» رابطه امکانی دارند، اما همین رابطه امکانی به آنها اجازه می دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، آنها نیز یا به اقلیم وجود بگذارند و موجود شوند.

به عبارت دیگر: وقتی می گوئیم رابطه ماهیت «انسان» با «وجود»، یک رابطه امکانی است، منظور این است که انسان می تواند باشد و می تواند نباشد. ذات وی به گونه ای نیست که حتماً باشد و همچنین ذات وی به گونه ای نیست که حتماً نباشد. با بودن علت، «وجود» برای انسان ضروری می شود و انسان واجب الوجود می گردد و موجود می شود؛ یعنی در حال حاضر، همه اشیا یی که موجودند، «واجب الوجود» هستند، اما به واسطه علت هایی که خارج از ماهیت آنها قرار دارند. به عبارت دیگر: اینها «واجب الوجود بالغیر»<sup>۱</sup> هستند.

پاسخ: موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند

اما از این نظر که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛

یعنی از واجب الوجود بالذات نشأت می گیرند.

## واجب الوجود بالذات آنست که ضرورت وجود برایش از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی. حکما خداوند را واجب الوجود بالذات می نامند. زیرا که خداوند علت الکل است و خود نیاز به علت ندارد.

تفکر

۱ آیا می توان اموری را پیدا کرد که رابطه ذاتی آنها با «وجود» رابطه امتناعی بوده، اما علتی برای آنها پیدا شود و اکنون موجود باشند؟  
پاسخ منفی است. زیرا اگر چیزی به نحو ذاتی از چیزی جدا باشد و نتواند با آن جمع گردد و در عین حال بخواهد با آن جفجف شود، اجتناف تقیضین پیشش خواهد آمد که امری

۲ اگر حقیقتی رابطه اش با «وجود» ضروری باشد، آیا می شود که چنین حقیقتی تاکنون به وجود نیامده باشد؟  
خیر، زیرا اگر رابطه وجود با چیزی ضروری باشد و نتوان وجود را از آن منفک کرد، بدان معناست که آن موجود همواره بوده تکمیل کنید: است. و در هیچ برهه ای از زمان وجود از او جدا نمی شود.  
الف) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه حتمی دارد. **واجب**. گویند.  
ب) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه احتمالی دارد. **ممکن** گویند.  
ج) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه محال دارد. **ممتنع** گویند.

به کار ببندیم

۱ مفاهیم دوردیف زیر را که به هم مرتبط هستند، مشخص کنید و با آنها قضیه موجه یا سالبه بسازید. سپس، رابطه میان موضوع و محمول را از حیث وجوب، امکان و امتناع مشخص کنید.

– مثلث، جهان، مربع، پیراهن حسن، عدد سه  
– مثلث سه ضلع دارد (وجوب)  
– چهار ضلع، نابود، سه ضلع، آبی، زوج  
**پیراهن حسن آبی است (امکان)**  
**عدد سه زوج است (امتناع)**

۲ آیا موجودات عالم را می توان به واجب و ممکن تقسیم کرد؟ اگر تقسیم به واجب و ممکن مناسب نیست، کدام تقسیم مناسب است؟  
موجودات عالم را از آن جهت که موجودند، به دو دسته واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر تقسیم می کنیم. اما همین

۳ چند حالت از حالت های زیر صحیح است؟  
موجودات را از نظر ذاتشان به دو دسته ممکن الوجود و واجب الوجود تقسیم می کنیم.  
اگر ماهیتی را در نظر بگیریم اما آن را در جهان نیابیم، معلوم می شود که:  
الف) این ماهیت ذاتاً نمی تواند موجود شود.  
ب) این ماهیت هنوز از حالت امکانی خارج نشده است.

ج) علتی نیست که بتواند آن را به وجود بیاورد.  
هر سه حالت می تواند صحیح باشد زیرا اگر چیزی را در ذهن خودمان بیاوریم و در نظر بگیریم، اما در خارج آن را نیابیم، می تواند بدان جهت باشد که ذاتاً ممتنع الوجود است؛ مانند شریک خدا

همچنین می تواند بدان جهت باشد که علت آن پیدا نشده تا آن را از حالت امکان خارج کند و به وجود بیاورد.

۱۲  
**واجب الوجود بر دو قسم است: واجب الوجود بالذات واجب الوجود بالغیر.**